

چالش‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در ارزیابی ورود ثالث در قضیه اوکراین علیه روسیه بر مبنای ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه

مصطفی زارعی *، عباس برزگرزاده

گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: جنگ روسیه و اوکراین	مداخله دولت ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری به‌طور فزاینده‌ای در حقوق بین‌الملل معاصر اهمیت یافته است. تحولات اخیر در پرونده اوکراین علیه روسیه در دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است دیوان را وادار سازد تا در رویه خود به ورود دولت ثالث و نحوه رسیدگی بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه دیوان توجه نشان دهد. در پژوهش حاضر، به‌روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعه قضیه اوکراین، تلاش شده است حق ورود ثالث بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه، همچنین ماده ۸۱ تا ۸۶ آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری برای نقض تعهدات جهان‌شمول تحلیل شود. چنین استدلال شده است که دیوان با در نظر گرفتن قواعد حقوقی، رویه قضایی، اصول انسانیت و وجدان عمومی، که بر اساس آن عمل می‌کند، برای ورود دولت ثالث تفسیر دقیقی اتخاذ کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در مواردی که حقوق بین‌المللی کشورها به‌منزله کل مشترک دخیل است، در صورت اثبات وجود تعهدات همه‌جانبه، دیوان باید تفسیر گسترده‌ای اتخاذ کند که به نفع نهاد حقوقی برای ورود دولت ثالث باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷	
واژگان کلیدی: پرونده اوکراین علیه روسیه، تعهدات جهان‌شمول، دیوان بین‌المللی دادگستری، منفعت با ماهیت حقوقی، ورود ثالث.	

ارجاع به این مقاله: زارعی م، برزگرزاده ع. (۱۴۰۲). «چالش‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در ارزیابی ورود ثالث در قضیه اوکراین علیه روسیه بر مبنای ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه». *مطالعات کشورها*. ۱(۴): ۵۷۹-۶۰۶.

doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.363454.1050>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰

ناشر: دانشگاه تهران



۱. مقدمه

یکی از رویه‌های ضمنی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) تعیین صلاحیت دولت‌هاست برای درخواست مداخله در برابر دیوان به‌عنوان طرف ثالث بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان و ماده ۸۱ تا ۸۵ آیین دادرسی دیوان، مصوب ۱۹۷۸م. رویه مداخله بسته به ماده ۶۲ یا ماده ۶۳ متفاوت است. ماده ۶۲ کاملاً مبتنی بر «منفعت با ماهیت حقوقی»^۲ است که باید دولت مداخله‌گر آن را اثبات کند؛ درحالی‌که ماده ۶۳ هنگامی مطرح می‌شود که دیوان در حال تفسیر کنوانسیون‌های بین‌المللی است. به‌این ترتیب، کشورهای طرف کنوانسیون حق دارند در دادرسی‌های اقامه‌شده طرف‌های دیگر مداخله کنند. به‌این ترتیب، حکم صادرشده برای اشخاص ثالث مداخله الزام‌آور خواهد بود.

برای ردیابی اجمالی تاریخچه ورود دولت ثالث، ذکر این نکته ضروری است که برخلاف ماده ۶۳ اساسنامه دیوان که تکامل‌یافته نهاد داوری بین‌المللی است، ماده ۶۲ اساسنامه، در پیش‌نویس کنوانسیون و گزارش پروژه مربوط به دیوان داوری، مصوب دومین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۹۰۷م، ذکر نشده است. تکامل ماده ۶۳ عمدتاً به‌دلیل پیش‌نویس طرح‌های پیشنهادی دیوان بین‌المللی جدید بود. کمیته مشورتی حقوقدانان که در تدوین اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نقش داشتند، ضمن بحث درباره آنچه اکنون ماده ۶۳ است، ماده ۶۲ را نیز معرفی کردند. یکی از مسائل مهم پیوند قضایی بود که در مرحله تدوین پیش‌نویس حل‌نشده باقی ماند. این موضوع درنهایت به دیوان دائمی دادگستری

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice) رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد (UN-Intergovernmental Organization) است (ماده ۹۲ منشور). نقش دیوان بین‌المللی دادگستری حل‌وفصل اختلافات بین کشورها (صلاحیت شخصی و ترافعی) و طرح نظرات مشورتی (صلاحیت مشورتی) است درباره مسائل حقوقی ارجاعی ارگان‌ها و دفاتر تخصصی سازمان ملل متحد (ماده ۳۴ و بند ۱ ماده ۳۶ و ۶۵ اساسنامه دیوان) (<https://www.icj-cij.org/en/jurisdiction>). صلاحیت دیوان مبتنی بر رضایت دولت‌هاست در اعطای صلاحیت ویژه، صلاحیت قضایی اجباری و صلاحیت ضمنی حاکی از وضعیتی است که دولتی دعوایی را به دیوان ارجاع می‌دهد و طرف دیگر اقدامی انجام می‌دهد که بیانگر موافقت آن با ارجاع اختلاف به دیوان است (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۹۳: ۱۷۹). این دیوان بین‌المللی دادگستری است که هر موضوعی را، بسته به صلاحیت خود، تعیین می‌کند (میرعباسی، ۱۳۶۳: ۱۸۶).

2. legal interest

بین‌المللی واگذار شد. از آنجاکه این دیوان فقط در یک مورد درباره ورود دولت ثالث تصمیم گرفته بود، سؤال‌ها درباره پیوند قضایی در مقابل ماده ۶۲ همچنان ادامه داشت (de Hoogh, 2009: 27). متون مربوط به ورود ثالث در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (PCIJ)^۱ در مقایسه با دیوان دادگستری بین‌المللی کمتر نمود داشته است.

در عصر حاضر، اختلافات موجود در دیوان بین‌المللی دادگستری که معمولاً ماهیت دو و چندجانبه دارد، به‌طور فزاینده‌ای بر منافع کشورهای ثالث نیز تأثیر می‌گذارد. ورود ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری به‌طور فزاینده‌ای در حقوق بین‌الملل معاصر اهمیت یافته است. متعاقب طرح دعوی گامبیا علیه اوگاندا در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۹م^۲، دولت‌های کانادا و هلند در ۲ سپتامبر ۲۰۲۰م بیانیه مشترکی صادر و در آن قصد ورود در پرونده جنجالی در حال انجام در دیوان را پیشنهاد کردند. مورد، اعمال کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (گامبیا علیه میانمار) بود.

اخیراً نیز در قضیه اوکراین علیه روسیه، به‌موجب دادخواست مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۲۲م، اوکراین با ادعای نقض ماده ۱، ۲ و ۸ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی از سوی روسیه، ورود دیوان برای رسیدگی به این اختلاف و صدور قرار موقت برای حفظ وضع موجود و حفاظت از مردم اوکراین را خواستار شد. متعاقب آن دولت‌های ثالث^۳ بر مبنای ماده ۶۳ اساسنامه دیوان و در حمایت از منافع مشترک بین‌المللی و تعهدات عام‌الشمول دولت روسیه، اعلامیه خود را، مبنی بر ورود به دعوا، نزد دیوان به ثبت رساندند. همان‌طور که در بیانیه مشترک آن‌ها منعکس شده است، ورود برای حمایت از تلاش‌هایی بود که به تمام بشریت مربوط می‌شود. حق ورود دولت ثالث در صورتی تعلق می‌گیرد که منفعت با ماهیت

1. Permanent Court of International Justice
 2. Uganda v Ogwang Patrick & Anor (Miscellaneous Application No. 4 of 2019) UGSC 58 (11 November 2019)
 3. Ukraine v. Russian Federation. 25 February 2022: 32 States intervening: Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (<https://www.icj-cij.org/case/182>).
- در حال حاضر، ۳۲ کشور، بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه، به‌عنوان دولت ثالث دادخواست خود را به دیوان تسلیم کرده‌اند: لاتویا، لیتوانی، نیوزلند، بریتانیا، آلمان، ایالات متحده آمریکا، سوئد، فرانسه، رومانی، ایتالیا، لهستان، دانمارک، ایرلند، فنلاند، استونی، اسپانیا، استرالیا، پرتغال، اتریش، لاگزامبورگ، یونان، کرواسی، چک، بلغارستان، مالت، نروژ، بلژیک، هلند، اسلواکی، اسلونی، قبرس، لیختن‌اشتاین.

حقوقی داشته باشد، که ممکن است تحت تأثیر تصمیم در مورد موضوع (ماده ۶۲) یا ماهیت کنوانسیون باشد و در آن کشورهایی غیر از طرف‌های ذی‌نفع مطرح باشند (ماده ۶۳).

با وجود مقررات مندرج در اساسنامه دیوان و آیین دادرسی دیوان، ماهیت دقیق دولت ثالث نامشخص است. یکی از این موارد بحث‌برانگیز در دعوای اوکراین علیه روسیه این است که آیا با توجه به ورود این تعداد از کشورها به عنوان ثالث (۳۲ کشور)، دولت ثالث می‌تواند صرفاً با ورود در دادرسی به طرفیت تبدیل شود، زیرا این امر به‌طور بالقوه ممکن است صلاحیت دادگاه را دور بزند. همچنین، در مفاد ماده ۶۳ مشخص شد که در صورت استفاده ثالث از حق، حکم نسبت به‌طرف ثالث دارای اثر قانونی خواهد بود (Palchetti, 2002: 142).

در پژوهش حاضر، با توجه به واقعیت‌های موجود، در پی پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که آیا چالش‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در ارزیابی ورود ثالث بر مبنای ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه در قضیه اوکراین علیه روسیه مبتنی بر بنیادهای حقوقی و فکری با نظام حقوق بین‌الملل است؟ با روشی توصیفی-تحلیلی و با بررسی واقعیت‌های موجود و تحلیل انتقادی از نتایج آرای دیوان به این نتیجه رسیدیم که در صورت اثبات وجود تعهدات همه‌جانبه با ورود این تعداد دولت به‌عنوان ثالث در پرونده معنونه، دیوان باید تفسیر و ورویه‌ای را اتخاذ کند که به نفع نهاد حقوقی ورود دولت ثالث باشد. این جنبه در پژوهش حاضر به‌طور واضح توضیح داده شده است.

این تحقیق به دو بخش تقسیم شده است. در گام نخست، جزئیات نظام مربوط به ورود ثالث مطرح شده است. در گام دوم، رویکرد دیوان به ورود دولت‌های ثالث در پرونده اوکراین علیه روسیه در مواردی چون تعهدات جهان‌شمول^۱ به‌طور اخص تحلیل شده است.

۲. پیشینه پژوهش

مطابق بررسی‌های محققان این نوشتار، مطالعه چالش‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در ارزیابی و قابلیت استماع اعلامیه ورود ثالث ۳۲ کشور در قضیه اوکراین علیه روسیه، تاکنون نه در متون فارسی و نه در تحقیقات بین‌المللی موضوع پژوهش مستقلی قرار نگرفته است. به‌وضوح، فقر متون پژوهشی در این

1. erga omnes

خصوصاً را می‌توان ناشی از نبود تعریفی متعین از موضوع دانست. این پژوهش در کمک به رفع این خلأ حقوقی انجام شده است. باین‌حال، از برخی جهات - از جمله ارتباط روش‌مند، یعنی به‌کارگیری روش جامعه‌شناسی در تحلیل فرایند تبلور عناصر، هنجارها و نهادهای حقوق بین‌الملل، تکامل نظم در حال گذار جامعه بین‌المللی و ترکیب مبنای حقوق بین‌الملل بر این تکامل - با شماری از تحقیقات و آثار علمی معتبر دارای ارتباط اساسی است.

شرط ورود ثالث به اختلاف جاری نزد دیوان بین‌الملل دادگستری، وجود منفعت با ماهیت حقوقی است که ممکن است در نتیجه رسیدگی، تحت تأثیر قرار گیرد. این منفعت باید صریح و مستقیم باشد، از این‌رو به نظر می‌رسد که یک کشور نمی‌تواند در اختلاف ناشی از تعهدات عام و به استناد ماده ۶۲ وارد دعوا شود، اگرچه ماده ۶۲ اساسنامه دیوان درباره این موضوع ساکت است که آیا بین دولت مداخله‌کننده و طرف‌های اصلی دعوا باید ارتباط صلاحیتی وجود داشته باشد (الهویی‌نظری، ۱۳۹۴: ۶۸۷). منفعت حقوقی دولت‌ها در رعایت تعهدات مربوط به حقوق بشر با منفعتی که هر یک از آنها باید در اقامه دعوی داشته باشد متفاوت است، زیرا وجود منفعت برای اقامه دعوی در اصل با مسائل خاصی مربوط به قابلیت پذیرش ملازمت دارد و نفی یکی به معنای رد دیگری نیست. دیوان در قضیه دیوار حائل تغییراتی در رویه خود داد و موارد نقض حقوق بشر را برجسته کرد (ممتاز و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶). همچنین، ضروری است، به دلیل اهمیت روزافزون مسئله محیط‌زیست، دیوان با شهادت بیشتری در اعمال ورود ثالث با منفعت حقوقی در پیوند آن با منافع جامعه بین‌المللی به صدور رأی مبادرت ورزد (برزگزاده، ۱۳۹۹: ۴۲).

بر اساس رویه دیوان مشهود است که اساسنامه دیوان به کشورها اجازه می‌دهد در دعوا به‌عنوان ثالث و بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳ ورود پیدا کنند. حق ورود ثالث در صورتی که منفعت با ماهیت حقوقی داشته باشد بر مبنای ماده ۶۳ لحاظ می‌شود.^۱ در این صورت ممکن است تحت تأثیر تصمیم دیوان درباره موضوع دعوا، بر اساس ماده ۶۲ عمل شود و اگر مربوط به تفسیر کنوانسیون باشد، در آن تعهدات کشورهای عضو ممکن است بر اثر این تفسیر تحت تأثیر قرار گیرد.

1. East Timor (Portugal v. Australia) (Judgment) [1995] ICJ Rep. 90; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion) [2004] ICJ Rep. 136.

۳. روش تحقیق

در پژوهش حاضر، حقوق بین‌الملل، به‌ویژه تعهدات جهان‌شمول با رویکرد جامعه‌شناختی بر مدار تحلیلی-توصیفی بررسی شده است. تحولات حقوق بین‌الملل از زاویه تکامل اجتماعی و حقوق بشری جامعه بین‌المللی، به‌ویژه از جهت تغییر محوریت از دولت به نظام بین‌الملل، نگرین شده است. از این رو، در پژوهش از روش مکتب انگلیسی و تغییرات اجتماعی در جامعه بین‌المللی به سوی اجماع جهانی بهره برده شده است. برگزیدن این روش، با ماهیت درون‌جمعی متغیر مستقل پژوهش، یعنی ورود ثالث نزد دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر قضیه اوکراین علیه روسیه، ارتباط تنگاتنگی دارد. با وجود این، در این تحقیق، جامعه‌شناسی حقوقی به‌منزله ابزار شناختی و مقدماتی، برای استقرار ساختمان حقوقی بر مبنای اجتماعی جامعه بین‌المللی و بر اساس لزوم تکامل هم‌گام حقوق و عرف بین‌الملل با جامعه بین‌المللی بررسی شده است.

در پژوهش حاضر تلاش شده است که تحول و تکامل عقلانیت درون‌جمعی دولت‌مدار در جامعه بین‌الدولی به عقلانیت درون‌جمعی انسان‌مدار در اجتماع بین‌المللی تشریح شود و به انعکاس‌های این گذار در تبلور هنجارها، ارزش‌ها، سیاست‌ها، اصول، عرف، آرای محاکم و نهادهای حقوقی بین‌المللی اشاره شده است. بنابراین، با توجه به نشان‌دادن وجوه تحقیقی نقش تعهدات جهان‌شمول و حقوق بین‌الملل در روند قاعده‌سازی ارزیابی دیوان بین‌المللی دادگستری از ورود ثالث بر مبنای ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه، این پژوهش از درک ضرورت‌های حقوقی برکنار نیست و به‌موازات روش جامعه‌شناختی بین‌المللی، مصادیق و ضرورت‌های پرشمار انطباق‌پذیر با اراده دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به نحو گسترده به استناد کشیده شده است. در واقع، در این پژوهش نقش متغیر مستقل بر حقوق بین‌الملل از جهات برساختی بررسی شده است که البته ممکن است نتایج و خروجی‌های ساختار مستقر را نیز تا حدودی در برگیرد.

۴. مفهوم ورود دولت ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری

موارد مداخله و ورود دولت ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار کم بوده است. در پیش‌درآمد دیوان، یعنی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، فقط یک مورد مشاهده شده است، درحالی‌که در دیوان بین‌المللی دادگستری، تا سال ۲۰۲۰م، فقط ۱۴ درخواست وجود داشته است (برزگرزاده، ۱۳۹۹: ۳۷). از این

میان، دیوان بیشتر درخواست‌های ورود ثالث را رد کرده است. متقاضیان ماده ۶۲ در سه نوبت و طبق ماده ۶۳ در دو نوبت موفق بوده‌اند (Barrie, 2020: 105). ورود به‌عنوان ثالث در مواردی که منافع جامعه بین‌المللی کشورها در خطر است- به‌ویژه در حفاظت از محیط‌زیست، خلع سلاح هسته‌ای، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه و نظایر آن- ضروری است. یکی از ویژگی‌های استاندارد ورود دول ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری این است که این مداخله بیشتر به اختلافات مربوط به حدود ارضی و دریایی محدود می‌شود. تغییر ماهیت روابط بین‌الملل در عصر حاضر از دوجانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی بین دو کشور، بر دولت‌های سوم تأثیر گذاشته است (Qi Xu, 2019: 114).

به‌طور کلی، دولت‌های ثالث زمانی می‌توانند در دعوی مطرح‌شده نزد دیوان، تقاضای ورود ثالث کنند که علاوه بر داشتن شرایط مندرج در منشور و اساسنامه برای اقامه دعوا نزد دیوان، در آن پرونده منفعت حقوقی داشته باشند که تحت تأثیر دیوان قرار گیرد. در دیوان، درخواست‌های ثالث با توجه به ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه و ماده ۴۳، و ۸۲ تا ۸۸ آیین دادرسی بررسی می‌شود. با توجه به اینکه صلاحیت دیوان ناشی از رضایت طرفین دعوی است، بنابراین دیوان نمی‌تواند در خصوص حقوق قانونی دولت ثالثی رأی صادر کند که طرف دعوی اقامه‌شده در دیوان نیست و درخواست ورود ثالث نکرده است. به این امر «اصل طلای پشتوانه پول»^۱ می‌گویند، برای اینکه در پرونده طلای پشتوانه پول، شرط مقدماتی رأی دیوان در قبال دادخواست ایتالیا، تعیین مسئولیت آلبانی به‌عنوان دولت ثالث بود که طرف دعوی نبود و درخواست ورود ثالث نیز نداده بود.^۲ (کوشا و میرعباسی، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۸۰)

۱.۴. انواع ورود ثالث

در اساسنامه دیوان دو شیوه مجزا برای ورود دولت‌های ثالث پیش‌بینی شده است: یکی بر اساس ماده ۶۲ اساسنامه دیوان و آن هم بر اساس صلاحیت دیوان و در صورت قانع‌شدن دیوان مبنی بر اثبات وجود منافع حقوقی توسط دولت ثالث؛ در این شیوه، تصمیم‌گیری درباره درخواست به عهده دیوان خواهد بود.^۳ دوم، بر

1. monetary gold

2. Monetary Gold Removed from Rome in 1943 (Preliminary Question) (Italy v. France, UK, and USA), 1958 icj Reports, 19.

۳. بند ۲ ماده ۶۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

اساس ماده ۶۳ اساسنامه دیوان که ورود را حق می‌داند. اغلب ماده ۶۲ و ۶۳ با هم همپوشانی دارد. نظیر عینی آن در پرونده ویمبلدون و ورود دولت لهستان بر مبنای ماده ۶۳ بود که در ابتدا تحت ماده ۶۲ ثبت و تسلیم دیوان شد.^۱ از این حق، بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳، دولت‌هایی می‌توانند استفاده کنند که عضو اساسنامه دیوان نیستند.

۱.۱.۴. ورود بر اساس ماده ۶۲ اساسنامه دیوان

ورود دولت ثالث بر مبنای ماده ۶۲ اساسنامه دیوان و اثبات منافع حقوقی آن دولت در قضیه مطرح‌شده نزد دیوان است و پذیرش یا رد این درخواست، به صلاحدید دیوان و ادله موجود است. ماده ۶۲ بسیار آزادمنشانه و انعطاف‌پذیر تدوین شده است. بر این اساس، طرف ثالث لازم نیست اثبات کند که منفعت با ماهیت حقوقی او لزوماً به‌موجب تصمیم دیوان متأثر خواهد شد، بلکه کافی است تا نشان دهد که چنین منفعتی ممکن است تحت تأثیر تصمیم دیوان قرار گیرد.^۲ این شرط که منفعت دولت ثالث با ماهیت حقوقی ممکن است تحت تأثیر دیوان قرار گیرد، خواهان ورود به دعوا را ملزم نمی‌کند تا تصمیم نهایی دیوان را درباره ماهیت پرونده مطرح‌شده پیش‌بینی کند.^۳ بر این اساس، دولت خواهان ورود به دعوا حتی لازم نیست اثبات کند به‌موجب بخش اجرایی رأی صادره از دیوان، ممکن است منافع حقوقی او تحت تأثیر قرار گیرد، بلکه صرفاً کافی است ابراز کند که این منفعت حقوقی ممکن است به‌موجب بخش استدلالی رأی نیز تحت تأثیر قرار گیرد (الهبویی نظری، ۱۳۹۴: ۶۶۹).

اجازه یا درخواست ورود، طبق ماده ۶۲، نباید بعد از ختم رسیدگی کتبی تسلیم شود. با این حال، در شرایط استثنایی، درخواست ممکن است در مرحله بعدی ثبت شود و پذیرفته می‌شود. چنین درخواستی باید شرایط بند ۲ ماده ۸۱ آیین دادرسی دیوان را دارا باشد: «... و در این دادخواست مشخص شود که این درخواست به کدام قضیه مربوط می‌شود. و باید متضمن مواردی باشد، از جمله منفعت حقوقی کشور خواهان ورود به‌عنوان دولت ثالث، هدف از مداخله و هرگونه مبنای صلاحیت دیوان که ادعا می‌شود بین دولت درخواست‌کننده ورود ثالث و طرف‌های دعوا وجود دارد.»

1. S.S. 'Wimbledon' (Government of His Britannic Majesty v German Empire) PCIJ Series A. No 1.
2. I.C.J. Reports, 1990, Pa. 61.
3. I.C.J. Reports, Application by Costa Rica, op.cit, Pa. 26.

تفسیر تحت‌اللفظی ماده ۶۲ که با بند ۲ ماده ۸۱ آیین دادرسی دیوان تعبیر می‌شود، نشان می‌دهد که یکی از الزام‌های کلیدی برای ایجاد این ماده «منافع حقوقی» است. این برخلاف ماده ۵۳ (۲) اساسنامه است^۱ که در آن برای ایجاد پیوند حقوقی و صلاحیتی دیوان هیچ الزامی وجود ندارد. اگر قصد این بود که در پیش‌نویس‌ها پیوندی حقوقی بر اساس ماده ۶۲ ایجاد شود، این امر طبق ماده ۶۲ اساسنامه دیوان فراهم می‌شد. این مهم در مورد پرونده تونس/لیبی و ورود مالت مشهود بود.^۲ در این پرونده به‌وضوح بیان شد که هیچ الزامی برای اثبات پیوند حقوقی و قضایی وجود ندارد. باین‌حال، مداخله باید به موضوع دعوا مرتبط و «منافع حقوقی» کافی داشته باشد. اینکه طرفین دعوا با ورود مخالف باشند یا نباشند اهمیتی ندارد. این به این دلیل است که تشخیص قانونی بودن ورود ثالث به عهده دیوان است. در پرونده لیبی/مالت و ورود ایتالیا، اگرچه مالت و لیبی با مداخله ایتالیا مخالف بودند، مشاهده شد که درباره درخواست مجوز مداخله، به‌رغم مخالفت طرفین، تصمیم‌گیری با دیوان خواهد بود.^۳

شرط دیگر، همان‌طور که در دیوان بین‌المللی دادگستری تعبیر می‌شود، این است که مداخله بر اساس ماده ۶۲ محدود به «حفظ حق»^۴ است نه به رسمیت‌شناختن حق.^۵ این در درجه نخست به این دلیل است که ماده ۶۲ جایگزین یا استثنایی برای ماده ۳۶ اساسنامه دیوان، همچنین برابری طرفین یا عمل متقابل محسوب نمی‌شود.^۶ علاوه بر این، بعد کلیدی ماده ۶۲ این است که باید به موضوع دعوا محدود شود. دیوان از ورود صرفاً به دلیل علاقه‌مندی به

۱. در ماده ۵۳(۲) اساسنامه دیوان ذکر شده است: «دیوان باید قبل از اینکه تقاضا را بپذیرد، مطمئن شود که نه فقط طبق ماده ۳۶ و ۳۷، صلاحیت رسیدگی دارد، بلکه درخواست‌های

مزبور هم از نظر حقوقی و هم از نظر عملی صحیح و بر اساس موازین حقوقی باشد.»

2. Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) (Application to Intervene) [1981] ICJ Rep. 3.
3. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Application to Intervene) [1984] ICJ Rep. 3 para. 46.
4. preservation of the right
5. Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) (Application to Intervene) [1981] ICJ Rep. 3. In the Libya/Malta case, the ICJ stated while rejecting the application of Italy, highlighted that adjudicating on a legal relation between Italy and Libya or Malta without the consent of Libya and Malta would introduce fresh 'dispute' which is beyond the scope of Article 62 of ICJ Statute.
6. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Application to Intervene) [1984] ICJ Rep. 3 para. 39-43. In addition the intervening State cannot act of Amicus Curiae.

اظهارات دیوان درباره اصل کلی و حاکمیت قانون خودداری کرده است (Beatrice, 2012: 741). بنابراین، گرچه دیوان بین‌المللی دادگستری موضعی اتخاذ کرده است که در آن منافع طرف اصلی باید به بهترین شکل محافظت شود، دولت مداخله‌گر باید بار نشان‌دادن «حق خاص» و «منافع حقوقی» تحت تأثیر قرار گرفته را بر عهده بگیرد.

بر این اساس هیچ‌کدام از دولت‌های ثالث به رضایت طرفین پرونده نیازی ندارند، اما طرفین پرونده، از دولت ثالث می‌خواهند که نوعی منفعت با ماهیت حقوقی را در پرونده اثبات کند. طبق ماده ۶۲، دو معیار شروط اساسی ورود ثالث به دعواست: یکی وجود منفعت با ماهیت حقوقی و دیگری امکان متأثر شدن آن در نتیجه رسیدگی.

۲.۱.۴. ورود بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه دیوان

دیوان بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه اجازه ورود ثالث را می‌دهد. تفاوت بین این دو ورود در آن است که در ماده ۶۲ دولت‌ها باید «منفعت حقوقی» را در اختلاف پیش‌رو مشخص سازند، ولی در ماده ۶۳ دولت‌های ثالث ضمن اینکه اختلاف اثری نسبت به آن‌ها ندارند، اما از دیوان «تفسیر کنوانسیون» را مطالبه می‌کنند (هدف نوشتار حاضر تمرکز روی حالت دوم خواهد بود). پس از اصلاح آیین‌نامه دیوان در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۵م، مطابق با بند ۲ ماده ۴۳، هر «سازمان بین‌المللی عمومی» نیز می‌تواند خواهان تفسیر کنوانسیون مورد اختلاف باشد. از آنجاکه گفته شده اتحادیه اروپا سازمانی بین‌المللی و دارای شخصیت حقوقی است، در صورتی که عضو کنوانسیون نسل‌زدایی می‌بود، می‌توانست درخواست ورود ثالث را مطرح کند. بنابراین، این موضوع، به دلیل عضو نبودن اتحادیه در کنوانسیون، محلی از اعراب ندارد.

برای کسانی که با موضوع آشنا نیستند، ماده ۶۳ اساسنامه دیوان در گذر زمان آزمون خود را پس داده است. در آخرین نسخه به‌روزشده سال ۲۰۱۸م، کتاب راهنمای دیوان بین‌المللی دادگستری (ص ۶۷) کاربرد و اجرای این ماده دقیقاً از قضیه ویمبلدون در ۱۹۲۳م دیوان دائمی بین‌المللی به بعد بررسی شده است. با توجه به هدف این مقاله، ضرورتی وجود ندارد قضایایی بررسی شود که در زمان اجرای این ماده، دیوان درباره آن رأی صادر کرده است؛ زیرا هیچ‌یک ارتباطی به ورود ثالث مشترک ندارد؛ ضمن اینکه هدف این نوشتار تنها تقویت هدف و موضوع این ماده در شرایط استثنایی شبیه آنچه است که در اختلاف

اوکراین علیه روسیه با آن روبه‌رویم. باید دید که آیا می‌توان ورود ثالث مشترک با مذاکره دوجانبه و دیپلماتیک را در دیوان بین‌المللی دادگستری انجام داد (همچنین هدف نوشتار بررسی مناسب‌بودن چنین ورودهایی در مرحله خاصی از قضیه، یعنی ایرادهای مقدماتی در این اختلاف، نیست؛ چراکه پیش‌تر بررسی شده است. برای این منظور، نخست عبارت‌شناسی ماده ۶۳ را بررسی می‌کنیم که به شرح زیر است:

۱. هرگاه موضوع مربوط به تفسیر کنوانسیون باشد که در آن کنوانسیون دولتهایی غیر از طرفین اختلاف شرکت داشته‌اند، دفتردار باید بی‌درنگ مراتب را به اطلاع آن دولت‌ها برساند.
۲. هریک از این دولت‌ها حق دارد که وارد رسیدگی شود و در صورت اعمال این حق، تفسیری که به‌موجب حکم دیوان به‌عمل می‌آید درباره او نیز الزام‌آور خواهد بود.

وقتی به‌دقت نگاه کنیم، درمی‌یابیم که بند ۲ ماده ۶۳ به شکل ورود ثالث انفرادی تنظیم شده است. با اشاره به این واقعیت که ممکن است ورود مشترک ممکن نباشد، در واقع، باید به این نوع ورود ثالث مشترک نیز توجه داشت؛ به‌خصوص با درنظرگرفتن این وضعیت فرضی که در آن منافع ابرازشده ذی‌نفعان ممکن است دقیقاً یکسان باشد.

کریستین توموشات و سایرین در تفسیر ماده ۶۳ اساسنامه دیوان نیز درباره ورود مشترک سکوت کرده‌اند. در دورنمای تاریخی، مفهوم کلی ورود در یکی از نخستین موضوع‌های مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۷۵م مطرح شد. بعدها کمیته مشورتی اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری تأیید کرد که ماده پیشنهادی (ماده ۶۳ اساسنامه) از پیشنهاد حقوقدان هلندی تی‌ام‌سی اَسِر و ماده ۸۴ کنوانسیون ۱۹۰۷م لاهه برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی گرفته شده است. اگرچه واقعیت پیش‌رو این است که اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری مصوب ۱۹۲۰م، تقریباً به‌طور کامل مجدداً ۲۶ سال بعد در سال ۱۹۴۶م با اندک اصلاحاتی تصویب شد. از آن زمان تاکنون، تحولات بسیاری در سطح ملی (در اصول کلی) و بین‌المللی صورت گرفته است. این تحولات موجبات طرح ورود ثالث مشترک را فراهم می‌کند. لذا، ممکن است لازم باشد دیوان ماده ۶۳ را شفاف‌سازی کند یا بسط دهد (خوچندانی، ۱۴۰۲).

بر این اساس، در رابطه با ماده ۶۳، دولت ثالث همچنین باید طرف کنوانسیون باشد که دیوان تفسیر می‌کند. تفاوت مهمی که در ورود دولت ثالث به پرونده بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان وجود دارد این است که اگر کشور غیرعضوی طبق ماده ۶۲ ورود پیدا کند، در حکم منافع آن در نظر گرفته می‌شود، اما بر دولت مداخله‌کننده لازم‌الاجرا نخواهد بود. اما، بر اساس منطوق ماده ۶۳، اگر رسیدگی دیوان به صدور حکمی بینجامد، هم بر طرفین دعوا و هم بر کشورهای ثالث لازم‌الاجرا خواهد بود.

اگرچه با توجه به ماده ۵۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، احکام دیوان فقط نسبت به طرفین دعوا و در همان موضوع خاص قدرت الزام‌آوری دارد، این حق همچنان برای دولت ثالث محفوظ نگاه داشته شده است که اگر تشخیص دهد منافع حقوقی او ممکن است تحت تأثیر حکم دیوان قرار گیرد، تقاضای ورود به دعوا را در دیوان مطرح کند (زمانی، ۱۳۹۱: ۴۴). از نظر طراحان اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، ماده ۵۹ به‌تنهایی برای حفظ منافع ثالث کافی نیست، لذا تمهید مندرج در ماده ۶۳ نیز اندیشیده شده است.

۵. بازآرایی و تکامل الزام‌های حقوقی دیوان برای ورود ثالث

۵.۱. تکامل الزام‌های حقوقی بر مبنای ماده ۶۲

ورود ثالث به دعوا، طبق ماده ۶۲، تنها در سه نوبت موفق بوده است. دو مورد مربوط به اختلاف‌های تحدید حدود بود؛ و مورد سوم مربوط به نقض قوانین بشردوستانه و مسئله مصونیت بوده است. از آنجا که نیکاراگوئه کشوری ساحلی است، درخواست کرد در پرونده زمینی و دریایی و مرزی، برای تعیین وضعیت حقوقی خلیج فونسکا و فضای دریایی در داخل و خارج از آن ورود کند.^۱ بر اساس، ماده ۵۹ اساسنامه دیوان، نیکاراگوئه طرف ورود ثالث مخاطب قرار نمی‌گیرد.

پرونده دوم درباره مصونیت قضایی بود و یونان نقش ورود ثالث را ایفا می‌کرد.^۲ در این پرونده، تصمیم دیوان به رأی ماهوی دادگاه یونان و شناسایی

1. Application for Revision of the Judgment of 11 September 1992 in the Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening) (El Salvador v. Honduras) [2003] ICJ Rep. 392.
2. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening) (Judgment) [2012] ICJ Rep. 99.

ایتالیا به ماهیت اجرایی آن انجامید.^۱ نظر جداگانه قاضی آنتونیو آگوستو کانکادو ترینداد^۲ در پرونده مصونیت‌های قضایی، احیای نهاد ورود در دعاوی بین‌المللی معاصر را تأیید کرد. در این نظریه تأکید شده است که به نظر می‌رسد علاقه به اجرای حکم قضایی یک کشور در یک کشور خارجی کاملاً در مفهوم منافع ماهیت حقوقی دولت ثالث قرار می‌گیرد. به علاوه، قاضی ترینداد بر نیاز به تفسیر لیبرال و موسع از ورود ثالث تأکید کرد و بدین‌وسیله نظام حقوقی فراگیر و بین‌المللی را در این زمینه پایه‌گذاری کرد.^۳

علاوه بر این، نمی‌توان موارد دارای منشأ واقعی در نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را صرفاً از بعد بین‌دولتی دید. حق فرد نیز لازم است در نظر گرفته شود.^۴ شرط رویه مندرج در ماده ۶۲ ممکن است رسیدگی به دادخواست طرفین دعوی و سپس اجرای عدالت را به تأخیر بیندازد.^۵ در برخی شرایط استثنایی، پس از خاتمه دادرسی کتبی، دیوان اجازه ورود دولت ثالث را داده است.^۶ پس از احراز نظرات طرفین دعوا، رونوشت دادخواست‌ها و سایر اسناد پیوستی را به طرفین مایل به ورود در دادرسی در دیوان تسلیم می‌شود.^۷ دیوان قبل از اینکه به دولت ثالث، اجازه دسترسی به اسناد موردنیاز پرونده را بدهد، باید نظرات طرفین را جویا شود.^۸

1. According to the World Court, the Judgement might impact the Greek Court's Judgement in the Distomo Case in the backdrop of principle of State immunity.
2. Antônio Augusto Cançado Trindade
3. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening) (Separate Opinion of Judge Cançado-Trindade) [2012] ICJ at para. 529.
4. Ibid.
۵. تأخیر ایجادشده از الزام‌های رویه‌ای است که در قوانین دیوان منعکس شده است. طبق ماده ۵۸ قوانین ۱۹۲۲ دیوان دائمی، طرف احتمالی مداخله باید قبل از شروع رسیدگی، مراتب را شفاهی به سردفتر اطلاع دهد. ماهیت موضوع تا قوانین ۱۹۳۶ یکسان باقی ماند و قوانین ۱۹۴۶ دولت مداخله‌گر را ملزم می‌کرد اعلامیه ورود به دعوی را در دفتر دیوان ثبت کند. تا سال ۱۹۷۲م نیز به قوانین ۱۹۴۶ پای‌بند بودند. در قوانین ۱۹۷۸ دیوان، زمان‌بندی مربوط تغییر یافت؛ بدین ترتیب که حتی دولت ثالث قبل از خاتمه دادرسی، می‌تواند اعلامیه ورود را به‌طور کتبی به دیوان تسلیم کند. در موارد استثنایی مداخله پس از موعد مقرر هم انجام شده است.
6. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Judgment) [1984] ICJ Rep. 3. Italy filed the intervening application two-days before the time limit for filing the counter-memorial, however the world court held that it was within the time limit prescribed under Art. 81(1) Rules of the Court.
۷. ماده ۷۸ آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری مصوب ۱۹۷۸م
۸. ماده ۵۳ آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری مصوب ۱۹۷۸م

۵. ۲. تکامل الزام‌های حقوقی بر مبنای ماده ۶۳

کشورهایی که بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه، به دعوی ورود می‌کنند، از آن‌رو که عضو کنوانسیون مورد ادعای طرفین هستند، باید از طرف دیوان به کشورهای عضو اطلاع‌رسانی شود. هدف ماده ۶۳، ترویج تفسیر یکسان از کنوانسیون و ترویج توسعه هماهنگ حقوق بین‌الملل است. به گفته روزن، هدف ماده ۶۳ «حفاظت از منافع قانونی‌ای نیست که ممکن است تحت تأثیر تصمیم درباره پرونده قرار گیرد، بلکه تفسیر معاهده مورد بحث است.»

اگرچه در ماده ۶۳، اختیار گسترده‌ای به دولت‌ها برای ورود به دعاوی مطرح‌شده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری داده شده است، مشاهده شده است که این ماده تنها چهار بار اجرا و پذیرفته شده است.^۱ در پرونده «هایا دلاتوره»^۲، پرو اظهار داشت که ورود کوبا، به دلیل تلاش‌های منع‌شده برای استیناف علیه حکم قبلی دیوان در پرونده پناهندگی (ورود کوبا)، پذیرفته نیست. با این حال، دیوان موضوع پرونده را ورود ثالث موردنظر بنا به طرح سؤالی جدید در نظر گرفت. تسلیم توره به مقامات پرو خارج از محدوده مطرح‌شده و در اجرای رأی قضایی داخلی کشور پرو بود. بدین ترتیب، تفسیر کوبا را پذیرفت و اجازه مداخله داد.

در پرونده نیکاراگوئه، ورود السالوادور به موضوع مرتبط نبود.^۳ دیوان بین‌المللی دادگستری این اعلامیه را پیش از موعد و خارج از چارچوب آیین‌نامه دادرسی دیوان تشخیص داد که به ماهیت پرونده نیز مربوط نمی‌شد. یکی از سؤال‌های جالب برای ورود السالوادور این بود که آیا یک کشور می‌تواند برای به‌چالش کشیدن صلاحیت دیوان، ورود ثالث داشته باشد؟^۴ ماده ۶۳ فقط درباره کنوانسیون‌ها اعمال می‌شود و در حقوق بین‌الملل عرفی یا قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی اعمال نمی‌شود (Chinkin & Andreas, 2012: 79). قواعد

1. S.S. 'Wimbledon' (Government of His Britannic Majesty v German Empire) PCIJ Series A. No 1; Haya de la Torre (Colombia/Peru) (Judgment) [1951] ICJ Rep.71; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) (Merits) [1986] ICJ Rep.14; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) (Declaration of Intervention) [1984] ICJ Rep. 215.

2. Haya de la Torre (Colombia/Peru) (Judgment) [1951] ICJ Rep. 71.

3. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) (Declaration of Intervention) [1984] ICJ Rep. 215.

۴. بند ۶ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری: «در صورت اختلاف درباره صلاحیت دیوان،

تصمیم و حکم دیوان قاطع خواهد بود.»

حاکم بر دیوان در این خصوص که چه ادله‌ای باید در اعلامیه ورود گنجانده شود مبهم بود. این موضع با تولد آیین دادرسی دیوان در سال ۱۹۷۸م تغییر یافت. در پرونده «هایا دلاتوره» از این رویکرد دیوان پیروی شد.^۱

اگرچه الزام قانونی مندرج در ماده ۶۳ الزامی اجباری نیست، ورود به دعوا باید در قالب اعلامیه کتبی ورود ثالث باشد. با این ورود، فقط قسمت‌های اجرایی حکم برای دولت ثالث لازم‌الاجراست. اگرچه ماده ۶۳ فضای وسیعی را برای کشورهای مداخله‌گر فراهم می‌کند، با ظهور معاهدات چندجانبه درباره موضوع‌های بی‌شمار تحت قوانین بین‌المللی مدرن، ممکن است فرض شود که دیوان بین‌المللی دادگستری مملو از دعاوی بی‌پایان خواهد بود. باید توجه داشته باشیم با احتساب پرونده اوکراین علیه روسیه، تنها در پنج مورد است که به ماده ۶۳ دولت‌ها استناد کرده‌اند. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که افزایش معاهدات چندجانبه اساساً به استناد ماده ۶۳ انشا نشده است.

۶. رویه دیوان و ورود دولت ثالث بر مبنای نقض تعهدات جهان‌شمول

رویکرد دیوان با توجه به ورود موفقیت‌آمیز دولت ثالث برای نقض تعهدات جهان‌شمول در طول سال‌ها چندان هماهنگ و هدفمند نبوده است. در برخی موارد، تکالیف خاصی با چنین وضعیتی اعطا شده است. با این حال، مواردی وجود داشته است که دیوان ناتوانی خود را در قضاوت درباره چنین موضوعاتی تا زمانی ابراز داشته است که دولت متخلف صلاحیت رسیدگی دیوان را بپذیرد.^۲ با بیان این مطلب، نظرات مخالفی که قاضی ویرامانتری^۳ و قاضی اسکوبیشفسکی^۴ مطرح کردند، با تمرکز بر مفهوم تعهدات جهان‌شمول بود. شاید این ناهماهنگی در رویه قضایی حداقل تا حدی عامل کمبود رویه قضایی دیوان درباره مسائل مربوط به ورود ثالث باشد که دولت‌ها، به دلیل نقض تعهدات جهان‌شمول توسط سایر کشورها، مطرح کرده‌اند.

1. Haya de la Torre (Colombia/Peru) (Judgment) [1951] ICJ Rep. 71. The requirement includes a) Name of the agent- It shall specify the case and convention to which it is related, b) Basis on which the declarant State considers itself a party to the convention, c) Statement of the construction of those provision for which it is intended, d) a list of document in supporting the claim, e) identification of the particular positions of the conventions.
2. East Timor (Portugal v. Australia) (Judgment) [1995] ICJ Rep. 90; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion) [2004] ICJ Rep. 136.
3. Weeramantry
4. Skubiszewski

در این پژوهش، فهرستی از مواردی مطالعه شده است که یک یا چند کشور، با یا بدون موفقیت در موضوعاتی در صلاحیت دیوان ورود ثالث داشته‌اند. در این فرایند تحلیلی، هشت مورد از وروده‌های ثالث در دوره قبل از سال ۲۰۰۰ م بررسی شده است. شش مورد نیز در دوره پس از ۲۰۰۰ م بوده است.

۶.۱. قضایای مطالعه شده قبل از سال ۲۰۰۰ م

- الف) درخواست بررسی وضعیت بر اساس بند ۶۳ رأی دیوان در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۴ م، در پرونده آزمایش‌های هسته‌ای (نیوزیلند علیه فرانسه)؛^۱
- ب) پرونده «هایا دلاتوره» (کلمبیا علیه پرو)؛^۲
- پ) پرونده زمین، جزیره و مرزهای دریایی (السالوادور/ هندوراس: ورود نیکاراگوئه)؛^۳
- ت) فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا)؛^۴
- ث) پرونده فلات قاره (جماهیر عربی لیبی / مالت)؛^۵
- ج) پرونده فلات قاره (تونس / لیبی)؛^۶
- چ) پرونده آزمایش‌های هسته‌ای (استرالیا علیه فرانسه)؛^۷
- ح) پرونده آزمایش‌های هسته‌ای (نیوزیلند علیه فرانسه).^۸

از تمام این موارد، تنها یک مورد، یعنی درخواست برای بررسی وضعیت بر اساس بند ۶۳ رأی دیوان در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۴ م در آزمایش‌های هسته‌ای (نیوزیلند علیه فرانسه) شامل دادخواست ورود ثالث بر مبنای تعهدات جهان‌شمول بوده است. در این مورد، در دادخواست ورود نیوزلند، ادعا شده است حقوق خاص و متعلق به همه اعضای جامعه بین‌المللی، که نیوزلند نیز بخشی از

1. Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case [1995] ICJ Rep. 381.
2. Haya de la Torre (Colombia/Peru) (Judgment) [1951] ICJ Rep. 71.
3. Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening) (Judgment) [1992] ICJ Rep. 351.
4. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) (Merits) [1986] ICJ Rep. 14.
5. Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Judgment) [1985] ICJ Rep. 13.
6. Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) (Judgment) [1982] ICJ Rep. 18.
7. Nuclear Tests (Australia v. France) (Judgment) [1974] ICJ Rep. 253.
8. Nuclear Tests (New Zealand v. France) (Judgment) [1974] ICJ Rep. 457.

آن محسوب می‌شود، نقض شده است و این شامل موارد زیر می‌شود: حق انجام‌دادن آزمایش‌های هسته‌ای منجر به ریزش رادیواکتیو؛ حق حفاظت از آلودگی غیرقابل توجیه رادیواکتیو مصنوعی محیط زمینی، دریایی و هوایی، به‌ویژه محیط‌زیست. جزایر سلیمان، جزایر مارشال، ایالات فدرال میکرونزی و ساموآ نیز برای مداخلات خود به چنین تعهداتی تکیه کردند. دیوان درخواست‌های ورود ثالث را رد کرد، ولی برخی نظرهای جداگانه و مخالف - به‌ویژه نظرهای قضات کروما، رانجوا و شهاب‌الدین - معرف بینش قابل توجهی است درباره حقوق کشورها برای چنین مداخلاتی بر اساس ادله‌ای غیر از اساسنامه یا معاهده مستقیم (تعهدات جهان‌شمول).

در پرونده «هایا دلاتوره» (کلمبیا علیه پرو)، درحالی‌که دولت کوبا در دادخواست ورود خود از نظر ماهیتی ادعا نمی‌کرد که تعهدی جهان‌شمول باشد، با توجه به تفسیر موسع از کنوانسیون ۱۹۲۸ هاوانا، مبنای ورود خود را با استناد به حق مطرح و آن را به دریافت پناهندگی سیاسی، از مصادیق حقوق بشردوستانه، مجهز کرد. به‌رغم اینکه دیوان چنین ادعای مبنایی برای ورود ثالث را مجاز دانست، به‌طور خاص درباره ماهیت این حق که به هیچ‌یک از تعهدات جهان‌شمول مربوط نمی‌شود، اظهار نظر نکرد.

در هیچ‌یک از شش پرونده دیگر، هیچ‌گونه ذکری از تعهدات جهان‌شمول یا مانند آن نشده است.

۲.۶. قضایای مطالعه‌شده پس از سال ۲۰۰۰م

الف) شکار نهنگ در قطب جنوب (استرالیا علیه ژاپن: ورود نیوزلند)^۱؛
 ب) دعوی سرزمینی و دریایی (نیکاراگوئه علیه کلمبیا)؛
 پ) پرونده مصونیت‌های قضایی دولت (آلمان علیه ایتالیا: ورود یونان)؛
 ت) درخواست تجدیدنظر در حکم ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۲م درباره مناقشه مرزهای زمینی، جزیره‌ای و دریایی (السالوادور/ هندوراس: ورود نیکاراگوئه؛ السالوادور علیه هندوراس)^۲؛

1. Whaling in the Antarctic (Australia v Japan: New Zealand intervening) (Judgment) [2014] ICJ Rep. 228.
2. Application for Revision of the Judgment of 11 September 1992 in the Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening) (El Salvador v. Honduras) (Judgment) [2003] ICJ Rep. 392.

ث) پرونده حاکمیت بر پولائو لیگیتان و پولائو سیپادان (اندونزی / مالزی)؛^۱
 ج) پرونده مرز زمینی و دریایی بین کامرون و نیجریه (کامرون علیه نیجریه: ورود
 گینه استوایی)؛^۲
 چ) پرونده جنایت جنگی موضوع کنوانسیون منع نسل‌کشی (اوکراین علیه
 روسیه).^۳

در هیچ‌یک از این قضایا، ذکری از تعهدات جهان‌شمول یا مواردی از این قبیل وجود ندارد. فقط در پرونده اوکراین علیه روسیه که مبنای ادعایی آن، درخواست از دیوان در خصوص تفسیر اعمال کنوانسیون ۱۹۴۸ درباره پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی است، دولت‌های ورودکننده به این پرونده به‌عنوان ثالث، اساس ورود خود را عضویت آن کشورها در کنوانسیون معنونه عنوان کردند و اینکه رفتار روسیه مغایر با تعهدات جهان‌شمول است.

۷. جمع دو ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان در پرونده اوکراین علیه روسیه

در خصوص جمع دو ماده ۶۲ و ۶۳، باید بیان کنیم که ماده ۶۳، در مواردی قابل استناد است که با توجه به ساختار کنوانسیون مورد استناد در دعوای مطرح‌شده نزد دیوان، کشورهای غیر از طرفین دعوا در آن کنوانسیون عضو و دخیل باشند. شرایط ورود، بر اساس ماده ۶۳، به‌وضوح مشخص شده و اساسنامه، ورود بر این اساس را برای ثالث حق در نظر گرفته است. به‌دیگر سخن، کشور ثالثی که به ماده ۶۳ اساسنامه استناد می‌کند، به‌نوبه خود، تقاضای اجازه مداخله را نکرده است، بلکه از سمت دیوان برای او اعلامیه ورود صادر شده است. دیوان به‌صراحت نتیجه می‌گیرد که آن کشور واقعاً در شرایط ماده ۶۳ قرار دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، تنها کشور ثالثی حق مداخله از طریق ماده ۶۳ را داراست که از سوی دبیرخانه دیوان برای او اعلامیه صادر شده باشد.

اما اگر شرایط برای اجرای ماده ۶۳ فراهم نباشد، کشورها می‌توانند با رعایت مفاد ماده ۶۲ شخصاً درخواست ورود به پرونده را اعلام کنند. در واقع،

1. Sovereignty over Pulau Ligitan and Pulau Sipadan (Indonesia/Malaysia) (Judgment) [2002] ICJ Rep. 625.
2. Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria: Equatorial Guinea Intervening) (Judgment) [2002] ICJ Rep. 303.
3. Ukraine v. Russian Federation. February 25, 2022: 32 States intervening: Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide).

ماده ۶۲ بسیار انعطاف‌پذیر تدوین شده است. بر اساس این ماده نخست، کشور ثالثی که قصد ورود به دعوا را دارد لازم نیست اثبات کند که منفعت حقوقی آن لزوماً به موجب تصمیم دیوان متأثر خواهد شد؛ بلکه کافی است نشان دهد که چنین منفعتی ممکن است تحت تأثیر تصمیم دیوان قرار گیرد. این شرط که منفعت حقوقی دولت ثالث ممکن است متأثر از تصمیم دیوان باشد و صرفاً این احتمال وجود دارد که با صدور رأی از سوی دیوان منفعت یکی از کشورها تحت تأثیر قرار بگیرد، خواهان ورود به دعوا را ملزم نمی‌کند تا تصمیم نهایی دیوان را درباره ماهیت پرونده مطرح‌شده پیش‌بینی کند و مطمئن باشد که تصمیم دیوان بر منفعت حقوقی او تأثیر منفی یا مثبت خواهد داشت؛ بلکه دولت ثالث، صرفاً باید نشان دهد که به چه طریق ممکن است منفعتش از تصمیم دیوان متأثر شود. دوم، حتی از نظر دیوان دولت ثالث، به‌عنوان دولت غیرطرف اختلاف، نباید اثبات کند که یکی از حقوقش ممکن است متأثر شود، بلکه کافی است اثبات کند که صرفاً منفعتی با ماهیت حقوقی ممکن است متأثر شود.

سوم، دولت خواهان ورود به دعوا لازم نیست اثبات کند که ممکن است منافع با ماهیت حقوقی او لزوماً به موجب بخش اجرایی رأی متأثر شود، بلکه کافی است که نشان دهد این منفعت ممکن است به موجب بخش استدلالی رأی نیز تحت تأثیر قرار گیرد.

چهارم، این ماده خواهان ورود را ملزم نمی‌کند تا اثبات کند که ورود و استناد به این ماده تنها ابزار حمایت از منفعت حقوقی اوست.

با توجه به تفاوت‌های موجود در نحوه اجرای این دو ماده در خصوص ورود ثالث، در پرونده اوکراین علیه روسیه، اعلامیه ورود کشورهای ثالث - از جمله اعلامیه کشورهای بریتانیا^۱، آلمان، هلند، سوئد، فرانسه و لیتوانی (و سایر کشورهایی که از متون و ادله مشابه این کشورهای استفاده کرده‌اند)^۲ - که با محوریت تفسیر، اعمال و تحقق کنوانسیون ۱۹۴۸ درباره پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (کنوانسیون نسل‌کشی) با ادعای مصادیق نسل‌کشی (در رابطه با وضعیت انتقال اجباری و اخراج کودکان از داخل اوکراین به روسیه) مستند به کنوانسیون معنونه^۳ است، در جمع بین دو ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه، در ماده ۶۳

1. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/182/182-20220805-WRI-01-00-EN.pdf>
2. <https://www.icj-cij.org/case/182/intervention>
3. Convention 1948 on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide ("the Genocide Convention").

فقط لازم است که دیوان در مقام تفسیر کنوانسیون نسل‌کشی، اعلام دارد که این کشورها طرف آن معاهده هستند.

در این پرونده، صلاحیت دادرسی صرفاً بر مبنای بند سازش مندرج در ماده ۹ کنوانسیون منع نسل‌زدایی است. بنابراین، اگر دادگاه صلاحیت رسیدگی به پرونده فعلی را برای خود احراز کند، حق ورود ثالث، بر مبنای ماده ۶۳، باید اعمال گردد. این در حالی است که رویه‌های نهادینه‌شده دیوان مرتبط با ورود کشور ثالث- برای مثال در پرونده‌هایی همچون السالوادور/ هندوراس، پرونده کامرون علیه نیجریه- بر ماده ۶۲ استوار بوده است. در این خصوص رویه‌ای در توسل به ماده ۶۳ به چشم نمی‌خورد و فقط صراحتاً پرونده گامبیا علیه میانمار و ورود دولت‌های کانادا و هلند مبنای ورود بر اساس بند ۲ ماده ۶۳ تصریح شده است. در نتیجه، اگر ۳۲ دولت فعلی ورودکننده به پرونده اوکراین علیه روسیه، با توجه به اهداف برشمرده در بیانیه مشترک خود (کمک به مسائل پیچیده حقوقی پیش‌بینی‌شده، و توجه ویژه به جرائم مربوط به نسل‌کشی: در رابطه با وضعیت انتقال اجباری و اخراج کودکان از داخل اوکراین به روسیه)، درخواست اجرای ماده ۶۲ را مطرح کنند، از دادگاه می‌خواهند که به شدت از رویه‌های قبلی خود در پرونده‌های السالوادور علیه هندوراس و کامرون علیه نیجریه فاصله بگیرد. حتی در مورد پرونده مصونیت‌های قضایی^۱ که آخرین مورد ورود ثالث پذیرفته‌شده تحت ماده ۶۲ است نیز این تفاوت به چشم می‌خورد.

دولت‌های ورودکننده به‌عنوان ثالث در پرونده اوکراین علیه روسیه، در اعلامیه خود اظهار داشتند که این تعهدات برای مقابله با جرائم مندرج در کنوانسیون منع نسل‌زدایی، ماهیت عام‌الشمول دارد و برای تمام بشریت لازم‌الاجراست. در واقع، این نوع احراز ماهیت عام‌الشمول بودن برای تعهدات مندرج در کنوانسیون منع نسل‌زدایی نوعی توسعه حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که علی‌رغم نبود رویه مشابه در رویه‌های قضایی دیوان درباره ورود ثالث، دیوان همان منافع را بپذیرد که کانادا و هلند در پرونده گامبیا علیه میانمار برای طرح درخواست ورود به پرونده تحت ماده ۶۳ مطرح کردند و این پرونده به نمونه بی‌بدیلی در خصوص ورود کشور ثالث تبدیل شود.

1. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy 2008: Greece intervening): <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-00-EN.pdf>.

در نتیجه، در جمع دو ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه، با توجه به نبود رویه قضایی در خصوص پذیرش ماده ۶۲ در پرونده‌های این‌چینی و با در نظر گرفتن این نکته که اصل دعوی مطرح شده از سوی اوکراین علیه روسیه با استناد به ماده ۹ کنوانسیون منع نسل‌زدایی مطرح شده است و با توجه به این امر که همه کشورهای ثبت‌کننده اعلامیه ورود به دعوا، عضو کنوانسیون منع نسل‌زدایی هستند، منطقی‌تر به نظر می‌رسد که این دولت‌ها درخواست ورود خود را بر مبنای ماده ۶۳ اعلام کنند و وارد فرایند دادرسی شوند، چراکه با استناد به تعهدات عام‌الشمول، امکان اثبات اینکه کشورهای کانادا و هلند به‌طور مستقیم از این نقض متضرر شده باشند، اگر نگوییم امری محال است، بسیار بعید و دور از ذهن خواهد بود و بهتر است این دو کشور با استناد به این امر که مبنای طرح دعوا کنوانسیون منع نسل‌کشی است و آن‌ها به‌عنوان یکی از طرفین این معاهده از اجرایی‌نشدن این معاهده متضرر شده‌اند، درخواست ورود خود را مطرح کنند. البته، رویه اجرای ماده ۶۳، صرفاً بر مبنای صدور اعلامیه از سوی دبیرخانه، مسئله‌ای است که باید بدان داشت. لذا، این ورود ثالث در صورتی میسر خواهد بود که دیوان پس از احراز صلاحیت ماهوی خود این اعلامیه را صادر و از کشورها دعوت به ورود کند. در این صورت، در عمل، این مهم محقق شده و رویه دیوان در این پرونده به این بنیاد استوار شده است.

۸. زمان‌بندی ورود دولت‌های ثالث بر اساس ماده ۶۳ (پرونده موردی اوکراین علیه روسیه)

در حالی که ۳۲ کشور ورودکننده به قضیه روسیه علیه اوکراین نزد دیوان، از موضع اوکراین در ماهیت دعوا حمایت می‌کند، این تنها مسئله‌ای نیست که در پرونده حاضر در دادگاه مطرح است. بحث زمان‌بندی هم هست؛ به این معنا که آیا دولت‌ها می‌توانند در پرونده‌ای طبق ماده ۶۳ ورود کنند، قبل از اینکه دیوان به این نتیجه برسد که صلاحیت رسیدگی به ماهیت آن دعوا را دارد یا ندارد.

در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه، دیوان تصمیم گرفت اعلامیه صادره السالوادور بر مبنای ماده ۶۳ را بر این اساس رد کند که درخواست برای ورود ثالث به دعوا، در مرحله بررسی احراز صلاحیت دیوان بوده است. دیوان خاطر نشان کرد که السالوادور با پیش‌فرض اینکه دیوان صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارد، اعلامیه ورود خود را به دعوا صادر کرده

است. با این حال، السالوادور با حضور نیافتن در مرحله دادرسی دیوان که تقاضای قبلی خود را برای ورود در دعوی نیکاراگوئه تجدید نکرده بود، فرصت خود را برای دفاع از درخواست خود در جلسه استماع شفاهی از دست داد. نیکاراگوئه به‌طور رسمی با این ورود مخالفت نکرد، اگرچه توجه دیوان را به ایرادهای معینی هم از نظر صورت و هم از نظر ماهیت جلب کرد، این اعتراض نیکاراگوئه بیشتر به‌صورت دوفاکتو بود تا دوزوره. با وجود این، عدم اعتراض رسمی به این معنا بود که السالوادور طبق بند ۲ ماده ۸۴ قواعد دادرسی دیوان، حق استماع ندارد. این موضوعی بود که قاضی رودا، آگو، موسلر، جنینگز و لاچاریر مشترکاً عقیده داشتند که برگزاری جلسه رسیدگی شفاهی، بیشتر بر مبنای صلاحیت قضایی دیوان است. دیوان، از آنجاکه به‌هیچ‌وجه دولتی را از امتیاز قانونی به‌عنوان ورود ثالث محروم نکرده است، به اطلاعات موجود در اعلامیه ورود السالوادور در مرحله ماهوی پرونده استناد کرد.

با توجه به این تجربه مبتنی بر رویه دیوان، دولت‌های ثالث مراقب بودند تا به موضوع زمان‌بندی به‌عنوان ورود ثالث به دعوا در نزد دیوان توجه کنند. نظر محققان کاملاً متفق‌القول بوده است که بر اساس متن اساسنامه و بر مبنای ماده ۶۳، برای اجازه‌ندادن دولت ثالث برای ورود به دعوا، به‌منظور به‌چالش کشیدن یا حمایت از صلاحیت قضایی دیوان هیچ دلیلی وجود ندارد. لیتوانی استدلال کرده است که ماده ۶۳ تا آنجاکه به نوع مقررات کنوانسیون از حیث ماهوی، آیینی و صلاحیتی مربوط می‌شود، اطلاق دارد. بریتانیا استدلال کرده است که هیچ محدودیتی در ماده ۶۳ وجود ندارد که مانع از اعمال حق خود برای ورود در تفسیر مفاد کنوانسیون نسل‌کشی و مسائل صلاحیتی و ماهیتی مبنی بر ورود به دعوا به‌عنوان دولت ثالث باشد. بریتانیا همچنین، سناریوهای مختلفی را در نظر می‌گیرد که اگر دیوان تصمیم بگیرد موضوع صلاحیت خود را از موضوع ماهیت دعوا تفکیک کند، به قواعد دادرسی دیوان رجوع کند که اخیراً اصلاح شده است. در همین حال، لاتویا رویه السالوادور را دنبال و استدلال کرد که دیوان و قضات دیوان که به پرونده رسیدگی می‌کنند، نمی‌توانند استدلال کنند که اصول مندرج در ماده ۶۳، نمی‌تواند درباره مسائل مربوط به صلاحیت دیوان اعمال شود.^۱ فقط زلاندنو به عنصر زمان‌بندی توجه نکرد و تفسیر کنوانسیون نسل‌کشی

1. Application for Revision of the Judgment of 11 September 1992 in the Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening) (El Salvador v. Honduras) [2003] ICJ Rep. 392.

را مسئله‌ای دانست که ادعا می‌کرد هم با صلاحیت دیوان و هم مبنای ماهوی ادعای اوکراین در مرحله رسیدگی ماهوی مرتبط است.

۹. نتیجه‌گیری

برابر یافته‌های پژوهشی، مشهود و مبرهن است که اساسنامه دیوان به کشورهای اختیار ورود را بر اساس ماده ۶۲ و ۶۳ می‌دهد. همان‌طور که تحقیق نشان داده است، اگرچه ورود دولت ثالث به ایجاد ارتباط صلاحیت قضایی از سوی دولت نیازی ندارد، به دلیل ماهیتی و روبه‌ای و نگرش دیوان بین‌المللی دادگستری به ورود دولت ثالث، در دولت‌ها برای اعمال این قواعد بی‌میلی آشکاری وجود دارد. علاوه بر این، برای نویسندگان آشکار است که در حالی که مفهوم تعهدات جهان‌شمول، علی‌رغم فقدان تعریف روشن یا منبع شکلی در حقوق بین‌الملل متعارف، به آرامی به رسمیت شناخته شده و به بحث گذاشته شده است، وقتی صحبت از دولت‌ها می‌شود، با طرح پرونده مداخله دولت ثالث به دیوان، نداشتن اشتیاق مشخصی برای ورود با استناد به نقض چنین تعهداتی وجود دارد.

بنابراین، در چنین شرایطی، دولت‌ها ترجیح می‌دهند یا به دنبال جبران نقض حقوق خاصی باشند که شخصاً تحت برخی اساسنامه‌ها، معاهده‌ها، کنوانسیون‌ها یا اسناد بین‌المللی مشابه مستحق آن هستند، یا حداکثر در موارد معدودی، به دنبال جبران خسارت باشند. قطعیت نداشتن و تناقض ایجاد شده در خود دیوان در تفسیر چنین تعهداتی و موضع بیش از حد محتاطانه‌ای که تاکنون در این زمینه اتخاذ کرده است، ممکن است عامل مؤثری در ایجاد چنین پدیده‌ای باشد.

اختلاف اوکراین و روسیه، برخلاف ورودهای ثالث قبلی در گذشته، از نظر زمانی خاص، عجیب و ناگوار است. عظمت جنگ نیز گذر هر لحظه را حیاتی‌تر می‌کند. به یقین، هدف از ورود ثالث مشترک، کمک مؤثر به دیوان است، تا اینکه آن را به اقدامی غیرسازنده تبدیل کند و بار خواندن صفحه‌های بیشتر را به قضات و به دفتر ثبت دیوان در آماده‌سازی و تنظیم لوایح بیشتر و انجام دادن امور اداری تحمیل کند. ورود ۳۲ کشور به طرح دعوی معنونه، ممکن است برای دیوان کمک قابل توجهی در پی داشته باشد، ضمن اینکه ممکن است در خصوص نهاد ورود ثالث مشترک، به تحقیقات علمی بیشتری نیاز باشد. با این حال، با توجه به ماهیت و محدودیت‌های پژوهشی در قالب مقاله، امیدواریم که مطالب حاضر حداقل

خوراکی برای اندیشیدن در این زمینه باشد. در نهایت، هرجانی که از دست می‌رود تکرار این مفهوم است: «عدالت به تعویق افتاده، عدالت انکار شده است» و نه طرفین و نه دیوان، به‌عنوان ارگان قضایی اصلی سازمان ملل متحد، خواهان چنین اتفاقی نیستند.

نتیجه‌گیری اصلی این مطالعه این است که در تحلیل نهایی، سودمندی یادمان‌های مختلف ورود دولت ثالث، هم در تفسیر آزادانه از شرایط حاکم بر عملکرد آن‌ها و هم در مشارکت کامل طرف‌های ذی‌نفع در دادرسی‌های ترافیعی و نظریه‌های مشورتی نهفته است. در ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان، دو شیوه مجزا برای کشورهای مایل به ورود در پرونده حقوقی مطرح شده است. به‌طور کلی، هردوی این رسیدگی‌های طاری، بر اساس ماده ۸۱ تا ۸۶ آیین دادرسی دیوان (ورود ثالث به دعوا) برپایه رویه‌های عمدتاً یکسانی مدیریت می‌شود. کشورهای ثالث ممکن است در بسیاری از موارد بخواهند در چنین اختلاف‌هایی ورود کنند. در ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری سعی شده است چنین احتمالی در نظر گرفته شود. در ماده ۶۲، ورود دولت ثالث، در صورت داشتن منافع حقوقی که ممکن است تحت تأثیر تصمیم دیوان در پرونده باشد، پیش‌بینی شده است. بر این اساس، در ماده ۶۳، به کشورهای عضو در معاهده‌ای چندجانبه اجازه داده شده است در موارد مشمول تفسیر چنین معاهده‌ای ورود کنند. ورود طبق ماده ۶۲ در اختیار دیوان بین‌المللی دادگستری است. ورود در ماده ۶۳ حق است. دیوان با تفسیر مضیق منطوق ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه باید در اجازه‌دادن به مداخلات دولت ثالث انعطاف‌پذیرتر باشد. این امر بیشتر با وابستگی متقابل دولت‌ها در دنیای مدرن مطابقت دارد و ممکن است از تکراری شدن دادرسی‌ها جلوگیری کند. چنین انعطاف‌پذیری‌ای تنها اثربخشی دیوان را در دستیابی به وظایف خود افزایش می‌دهد.

در این خصوص باید دید دیوان چگونه با ورود دول ثالث در پرونده اوکراین علیه روسیه رفتار خواهد کرد. دو نکته در خور توجه است. نخست، روسیه می‌تواند تلاش کند راهبرد دادخواهی نیکاراگوئه را تکرار کند و از ورود دولت ثالث به دعوا جلوگیری کند؛ این ممکن است بر اجرای صحیح عدالت تأثیر منفی بگذارد. دوم اینکه تنها رویه دیوان یک مورد است و آن هم این است که ورود و مداخله را در مرحله احراز صلاحیت خود رد کرده است. هنوز به‌طور کلی، مشخص و مبرهن نیست که آیا تصمیم برای مداخله در مرحله احراز صلاحیت قضایی

وجود دارد یا اینکه بر اساس رهیافت‌ها و واقعیت‌های موجود، قائل به این نتیجه‌گیری است که ادعای خاص باید با دقت و وسواس بیشتری در مرحله رسیدگی ماهوی دنبال شود.

شایان ذکر است که این تنها موردی نیست که ورود دولت‌های ثالث در پرونده بر مبنای ماده ۶۳ مطرح شده است. در پرونده نسل‌کشی گامبیا علیه میانمار که در حال حاضر در دیوان مطرح است، مالدیو، کانادا و هلند قصد خود را مبنی بر ورود و مداخله در این پرونده، بر اساس ماده ۶۳، ابراز داشتند. با این حال، در این پرونده مسئله خاصی درباره بحث زمان‌بندی مطرح نخواهد شد، زیرا دیوان قبلاً تصمیم خود را درباره صلاحیت خود صادر کرده است.

کسانی که به مباحث آیین دادرسی دیوان علاقه‌مندند، باید هر دو پرونده را به دقت مطالعه کنند، زیرا این موارد به توسعه رویه عملی دیوان بر مبنای ماده ۶۳ و به روشن شدن بیشتر دیدگاه دیوان درباره کارکرد و هدف مداخله کمک می‌کند.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ‌گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- الهویی نظری ح. (۱۳۹۴). «ورود ثالث در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری (ماده ۶۲ اساسنامه)». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*. ۴۵(۴): ۶۶۷-۶۸۹. <https://doi.org/10.22059/jpls.2016.56444>
- برزگرزاده ع. (۱۳۹۹). «ورود ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر قضایای صید نهنگ‌های قطب جنوب و آزمایش‌های اتمی». *دانش حقوق مدنی*. ۹(۱)، پیاپی ۱۷): ۳۱-۴۴. <https://doi.org/10.30473/clk.2021.52678.2737>
- زمانی سق، سوده ش. (۱۳۹۱). «نسبیت احکام دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه و عمل». *فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی*. ۵(۱۶): ۴۰-۹۶. https://journals.iau.ir/article_513110.html
- خوبچندانی م. (۱۴۰۲). «جعبه پاندورای ورود ثالث مطابق ماده ۶۳ در اختلاف اوکراین علیه روسیه در دیوان بین‌المللی دادگستری: ضرورت ورود ثالث به صورت مشترک برای ایجاد تعادل». ترجمه حاجی م. https://bigdeliacademy.com/1402/02/05/ukraine_mohammadhaji. دریافت: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲.
- صلح‌چی م، نژندی منش ه. (۱۳۹۳). *حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*. ج ۴، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- کوشا س، میرعباسی س. ب. (۱۳۹۱). *رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری*. ج ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- ممتاز ج، علیزاده م، زر نشان ش. (۱۳۹۵). «تأملی دوباره بر اصل رضایی بودن صلاحیت در عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری». *مجله حقوقی بین‌المللی*. ۳۳(۵۵): ۹-۳۰. doi: [10.22066/CILAMAG.2016.23521](https://doi.org/10.22066/CILAMAG.2016.23521)
- میرعباسی س. ب. (۱۳۶۳). «بررسی اجمالی سازمان و صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه». *مجله حقوقی بین‌المللی*. ۱(۱): ۱۸۱-۲۰۰. https://www.cilamag.ir/article_18474.html
- Barrie G. (2020). "Third-party state intervention in disputes before the International Court of Justice: A reassessment of Articles 62 and 63 of the ICJ Statute". *The Comparative and International Law Journal of Southern Africa*. 53(1): 98-117. doi: [10.25159/0010-4051/6598](https://doi.org/10.25159/0010-4051/6598).
- Beatrice B. (2012). "Interests of a legal nature justifying intervention before the ICJ". *Leiden Journal of International Law*. 25(3): 739-757. doi: <https://doi.org/10.1017/S0922156512000362>.
- Chinkin Ch, Andreas Z. (2012). *Article 62- The Statute of International Court of Justice: A Commentary*. Oxford: Oxford University Press.
- de Hoogh A. (2009). "Intervention Under Article 62 of The Statute and the Quest for Incidental Jurisdiction without the Consent of the Principal Parties". *Leiden Journal of International Law*. 6(1): 17-46. doi: <https://doi.org/10.1017/S092215650000162X>.
- Palchetti P. (2002). "Opening the International Court of Justice to Third States: Intervention and Beyond". *Max Planck Yearbook of United Nations Law*. 6: 139-181.
- Qi Xu. (2019). "Reflections on the presence of third states in international maritime boundary delimitation". *Chinese Journal of International Law*. 53(1): 91-128. doi: <https://doi.org/10.1093/chinesejil/jmz005>.

اسناد و مدارک

- Application for Revision of the Judgment of 11 September 1992 in the Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening) (El Salvador v. Honduras) [2003] ICJ Rep. 392.
- Basis of the Court's Jurisdiction, available at: <https://www.icj-cij.org/en/basis-of-jurisdiction> (last visited on July 12, 2023). 30. Convention 1948 on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide ("the Genocide Convention").
- Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Application to Intervene) [1984] ICJ Rep. 3 para. 46.
- Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Application to Intervene) [1984] ICJ Rep. 3 para. 39-43. In addition the intervening State cannot act of Amicus Curiae.
- Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Judgment) [1985] ICJ Rep. 13.
- Continental Shelf (Libyan Arab Jamahiriya/Malta) (Judgment) [1984] ICJ Rep. 3. Italy filed the intervening application two-days before the time limit for filing the counter-memorial, however the world court held that it was within the time limit prescribed under Art. 81(1) Rules of the Court.
- Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) (Application to Intervene) [1981] ICJ Rep. 3.
- Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) (Application to Intervene) [1981] ICJ Rep. 3. In the Libya/Malta case, the ICJ stated while rejecting the application of Italy, highlighted that adjudicating on a legal relation between Italy and Libya or Malta without the consent of Libya and Malta would introduce fresh 'dispute' which is beyond the scope of Article 62 of ICJ Statute.
- Continental Shelf (Tunisia/Libyan Arab Jamahiriya) (Judgment) [1982] ICJ Rep. 18.
- East Timor (Portugal v. Australia) (Judgment) [1995] ICJ Rep. 90; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied - Palestinian Territory (Advisory Opinion) [2004] ICJ Rep. 136.
- Haya de la Torre (Colombia/Peru) (Judgment) [1951] ICJ Rep. 71. The requirement includes a) Name of the agent- It shall specify the case and convention to which it is related, b) Basis on which the declarant State considers itself a party to the convention, c) Statement of the construction of those provision for which it is intended, d) a list of document in supporting the claim, e) identification of the particular positions of the conventions.
- I.C.J. Reports, 1990, Pa. 61
- I.C.J. Reports, Application by Costa Rica, op.cit, Pa. 26
- Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening) (Judgment) [2012] ICJ Rep. 99.
- Jurisdiction, available at: <https://www.icj-cij.org/en/jurisdiction> (last visited on July 9, 2023).
- Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy 2008: GREECE intervening): <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-00-EN.pdf>
- Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening) (Separate Opinion of Judge Cañçado-Trindade) [2012] ICJ at para. 529.
- Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria: Equatorial Guinea Intervening) (Judgment) [2002] ICJ Rep. 303.
- Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening) (Judgment) [1992] ICJ Rep. 351.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) (Declaration of Intervention) [1984] ICJ Rep. 215.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) (Merits) [1986] ICJ Rep.14.

- Monetary Gold Removed from Rome in 1943 (Preliminary Question) (Italy v. France, UK, and USA), 1958 ICJ Reports, 19.
- Nuclear Tests (Australia v. France) (Judgment) [1974] ICJ Rep. 253.
- Nuclear Tests (New Zealand v. France) (Judgment) [1974] ICJ Rep. 457.
- Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case [1995] ICJ Rep. 381.
- S.S. 'Wimbledon' (Government of His Britannic Majesty v German Empire) PCIJ Series A. No 1; Haya de la Torre (Colombia/Peru) - (Judgment) [1951] ICJ Rep. 71; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) (Merits) [1986] ICJ Rep. 14; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) (Declaration of Intervention) [1984] ICJ Rep. 215.
- Sovereignty over Pulau Ligitan and Pulau Sipadan (Indonesia/Malaysia) (Judgment) [2002] ICJ Rep. 625.
- Whaling in the Antarctic (Australia v Japan: New Zealand intervening) (Judgment) [2014] ICJ Rep. 228.
- Uganda v Ogwang Patrick & Anor (Miscellaneous Application No. 4 of 2019) [2019] UGSC 58 (11 November 2019)
- Ukraine v. Russian Federation. February 25, 2022: 32 States intervening: Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide) (<https://www.icj-cij.org/case/182>: last visited on July 9, 2023).

وبگاه‌ها

<https://www.icj-cij.org>. Accessed: 9 July 2023.

<http://opiniojuris.org/2022/10/17/the-pandoras-box-of-article-63-interventions-in-the-ukraine-v-russia-dispute-at-the-icj-the-need-for-joint-interventions-to-strike-a-balance/>

https://bigdeliacademy.com/1402/02/05/ukraine_mohammadhaji